



یادداشت

دشمن اصلی مردم خود شما هستید!

صادق کار



ابراهیم رئیسی یک روز بعد از اعتراضات پرشکوه و بی سابقه مردم در شهرهای مختلف که به مناسبت چهلمین روز به قتل رساندن ژینا امینی و گرامی داشت او و دیگر جان باختگان جنبش انقلابی انجام گرفت پس از اشاره به واقع مشکوک و پر حرف و حدیث تروریستی شاهچراغ در شیراز با پیوند زدن بی ربط این ترور با اعتراضات مردمی مذبوحانه کوشید چهره جنبش انقلابی را تخریب کند. حال آنکه مظنون اصلی واقع تروریستی عوامل خود رژیم هستند و قرائن کافی نیز برای آن وجود دارد.

روزنامه "انتخاب" به نقل از رئیسی نوشت: "سید ابراهیم رئیسی رئیس جمهوری با بیان اینکه تمام این اغتشاشات برای این است که برای علم و دانش مزاحمت ایجاد کند، افزود: این اغتشاشات برای آن است که برای کسب و کار مردم زحمت ایجاد کند. او گت: باید در اینجا به وضوح دست دشمن را ببینید که می‌خواهد قطار پیشرفت کشور از حرکت باز بماند و تمام هدف این است که ما دنبال ایجاد اشتغال باشیم و او می‌خواهد مردم را بیکار کند و مردم را عصبانی سازد. محسن رضایی معاون اقتصادی رئیسی نیز در قم سخنان مشابهی را مطرح کرد.

رئیسی و معاون اقتصادی او هر دو سعی کردند تقصیر شکست مفتضحانه سیاستهای اقتصادی دولت و اشتغال را به دشمنان و یا بقول آنها "اغتشاسگران" نسبت دهند. سیاستهایی که بجای پیشرفت اقتصادی و ایجاد اشتغال به پسرفت اقتصادی و بیکاری گسترده منجر شده است و تأثیرات آن را می شود به روشنی در جنبش انقلابی هم مشاهده کرد. این اتهامات سخیف به جنبش انقلابی در حالی از سوی این دو عنصر فاسد و جنایتکار وارد می شود که اکثریت بزرگی از کارشناسان سیاسی و اجتماعی حداقل یکی از زمینه های بروز جنبش کنونی و جنبشهای گذشته را بیکاری گسترده عنوان می کنند. آخه اگر شما بلد بودید بجای آدمکشی کار و رفاه برای مردم ایجاد کنید وضعتان بهتر از امروز باید می بود.



قبل از اینکه جنبش انقلابی شروع شود مگر اشتغالی ایجاد شده بود و یا پیشرفتی در زمینه های اقتصادی بوجود آمده بود که حالا بتوان خارجی ها را عامل پسرفت آن ها معرفی نمود؟ مگر کدام یک از وعده های اقتصادی دولت بجای پیشرفت پسرفت نکرده است؟ در یک سال اول از وعده ۲ میلیون شغل، ۱ میلیون مسکن، نصف کردن تورم، بهبود معیشت، راه انداختن تولید، افزایش ارزش پول ملی...، کدام یک مگر پسرفت نکرد؟

دولت بجای اشتغال مگر نه این است که بر بیکاری افزود؟ بیگانگان و دشمنان خیالی نبودند که با بستن این استاگرام و فیلترینگ، ۱۰ میلیون نفر را از نان خوردن انداختند و بقول معاون اتاق بازرگانی تهران، " قطعی هزار میلیارد تومان به کسب وکارها خسارت زده است. این ۸۰ و فیلترینگ اینترنت در یک ماه اخیر، مجموعا میلیارد تومان خسارت به ۲ میلیارد تومان و دقیقه ای ۱۱۰ میلیارد تومان، ساعتی ۲۶۰۰ عدد یعنی: روزی اقتصاد کشور وارد می کند". دشمنان نبودند، که مهسا امینی را به قتل رساندند و صدها نفر دیگر را در ۴۰ روز گذشته کشتند. بیش از ۳۰ کودک را به قتل رساندند، قریب ۵۰ نمازگزار در مسجد زاهدان را به گلوله بستند. آنانی که فاجعه اوین را رقم زدند خارجی نبودند، پاسداران خود شما هستند. از این همه وارونه گرای به کجا رسیده اید، که دست از آن بر نمی دارید؟

سال فرصت داشتید که خود را اصلاح کنید، اما نکردید، در سال ۸۸ یک میلیون به خیابان آمدند تا شما را ۴۳ وادار به اصلاحات کنند، سرکوبشان کردید، کشتیدشان، خار و خاشاک و عامل بیگانه خواندیدشان. جنبش های دی ۹۶ و آبان ۹۸ را به بهانه واهی وابستگی به بیگانه و دشمن به خاک و خون کشیدید و موجی از نفرت و انزجار علیه رژیم تان آفریدید، اما از اعمال جنایتکارانه تان دست بر نداشتید. بر پا دارنده و آفریدگار همه مصیبتها و پسرقتها و جنایت و همچنین همه اعتراضات و جنبشها خود شما هستید و نه هیچ کس دیگر! شما رفتنی هستید، بیش از این بر جنایات خود نیفزاید و مملکت را ویران نکنید. قدرت را به صاحبان آن که مردم، همین هایی که در خیابان هستند و تا شما را از قدرت خلع نکنند دست بردار نیستند واگذار کنید. جز تسلیم راه دیگری برایتان باقی نمانده

گذاشتن تقصیر همه فجایع و جنایاتی که رژیم آفریده به گردن خارجی ها موضوع تازه ای نیست. همه مقامات ریز و درشت از مدیران ادارات گرفته تا خود خامنه ای رهبر همه چیز دان حکومت نیز توجیحی مناسبتر از این برای سرپوش نهادن بر بی لیاقتی های خود ندارند. حکومت در حالی از دخالت خارجی ها دم می زند که خود در امور کشورهای منطقه دخالت میکند و در تعدادی از کشورها به تشکیل گروه های مسلح شبه نظامی و تامین و تجهیز همه گونه آنها می پردازد و مشکلات و بحران های زیادی برای دولتهایی که تسلیم خواسته های حکومت نشوند فراهم کرده است. در کشور های دیگر بی ثباتی مصنوعی ایجاد می کند. اما در عین حال همه احزاب و تشکلهای مدنی در داخل کشور و هر جنبش و اعتراض و مخالفی را وحشیانه سرکوب می نماید

دوره نسبت دادن همه مصیبت ها و فجایع آفریده شده توسط سران حکومت به بیگانگان به سر رسیده. دیگر کسی این بهانه را نمی پذیرد مردم هیچ اعتمادی به رژیم ندارند و می دانند با وجود این رژیم تغییر و بهبودی در زندگی شان حاصل نخواهد شد. به همین دلیل به دنبال به زیر کشیدن حکومت از قدرت و جایگزین کردن آن با حکومتی دمکراتیک، سکولار و با کفایت هستند که بتواند حقوق مردم را تامین، پس رفتگی های ۴ دهه را جبران و کشور را در مسیر پیشرفت و عدالت قرار دهد

همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!

از اعتصاب معلمان و کارگران و دانشجویان و دانش آموزان حمایت کنیم!

در هر کجا که هستیم از همه امکانات برای بسیج افکار عمومی علیه کشتار و سرکوب معترضان بهره بگیریم!



آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش شانزدهم
"تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهانی"
استورجس، هیو



دفاعان "تضمین اشتغال" گاه این گزاره را به میان کشیده اند که رقابت در میان کارگران باعث می شود همه مشاغل همان مزایای غیردستمزدی مشاغل "تضمین اشتغال" را دارا شوند (برای نمونه موسلر در مورد که تقریباً همه کارکنان آن از (Costco) بیمه درمانی این نظر را دارد). عملکرد شرکت‌هایی مانند کوستکو بیمه درمانی و بازنشستگی برخوردارند، نشان می دهد که برای مراکز کم هزینه این امکان وجود دارد که را به کارگران خود ارائه -در عین سوددهی، مزایا و دستمزدهای قابل توجهی - بیش از حداقل قانونی دهند. در واقع، کوستکو شواهدی را به دست می دهد که نشان می دهند افزایش دستمزدها و مزایا در ... سطوح پایینی بازار کار اما در کل اقتصاد، بهره وری را افزایش و گردش مالی را کاهش می دهد

اثرات "تضمین اشتغال" بر اقتصاد کلان - ادامه

*"مزایای مشاغل یک برنامه "تضمین اشتغال"

فرض برنامه "تضمین اشتغال" غالباً بر این است که کارگران تحت پوشش آن تدریجاً و به آرامی به مشاغل بخش خصوصی حرکت خواهند کرد، زیرا این مشاغل حاوی دستمزدی اند، بیش از آنچه "تضمین اشتغال" تأثیرات "تضمین اشتغال" را بر تولید ناخالص (Tcherneva) و چرنووا (Fullwiller) عرضه می کند. فولویلر داخلی و تورم مدلسازی کرده اند. اولی از مدل "اقتصاد کلان منصف" و دومی از مدل "مینسکی-کالکی" استفاده می کند. هر دوی آنها به این نتیجه می رسند که "تضمین اشتغال" موجب تثبیت اقتصاد، افزایش رشد در دوره های رکود و تحرک عوامل کاهنده تورم در طول دوره های رونق می گردد. با این حال، تمرکز آنها روی نرخ دستمزد نسبی است و نه بر ویژگی های شغلی غیرمزدی؛ که با توجه به ویژگی های خاص دریافتند که تا یک سوم مزایای تغییر (To) "تضمین اشتغال" قطعاً باید مورد توجه قرار گیرند. سالیوان و تو شغل (در ایالات متحده) به ویژگی های غیردستمزدی مشاغل - مانند بیمه درمانی، مزایای بازنشستگی، ساعات کاری انعطاف پذیر، تعطیلات با حقوق، استقلال شخصی در شغل، زمان رفت و آمد، ایمنی محیط مربوط است. برخی از این -کار و عوامل نامشهود دیگری مانند رضایت شخصی و روابط با همکاران ویژگی های غیردستمزدی مشخصاً از زمره ویژگی های مشاغل "تضمین اشتغال" اند؛ از آن جمله: ساعات فوق العاده انعطاف پذیر، بیمه درمانی (در ایالات متحده) و مزایای بازنشستگی، امکان قابل توجه گذراندن دوره



های آموزشی، سهولت تضمین شده رفت و آمد به دلیل سازماندهی محلی (اگرچه طرفداران "تضمین اشتغال در این باره تصریحی ندارند)

مدافعان "تضمین اشتغال" گاه این گزاره را به میان کشیده اند که رقابت در میان کارگران باعث می شود همه مشاغل همان مزایای غیردستمزدی مشاغل "تضمین اشتغال" را دارا شوند (برای نمونه موسلر در که تقریباً همه کارکنان آن (Costco) مورد بیمه درمانی این نظر را دارد). عملکرد شرکت‌هایی مانند کوستکو از بیمه درمانی و بازنشستگی برخوردارند، نشان می دهد که برای مراکز کم هزینه این امکان وجود دارد را به کارگران خود ارائه - که در عین سوددهی، مزایا و دستمزدهای قابل توجهی - بیش از حداقل قانونی دهند. در واقع، کوستکو شواهدی را به دست می دهد که نشان می دهند افزایش دستمزدها و مزایا در سطوح پایینی بازار کار اما در کل اقتصاد، بهره وری را افزایش و گردش مالی را کاهش می دهد؛ موهبتی هم برای کارگران و هم برای کارفرمایان و مدیریت. از طرف دیگر، برخی از مزایای "بازدارنده" مانند بیمه درمانی، بازنشستگی و غیره، که به مشاغل "تضمین اشتغال" تعلق می گیرند، می توانند حذف شوند اگر دولت این مسئولیتها را بپذیرد. با این حال، برخی از مزایای شغلی "تضمین اشتغال"، مثل ساعات کار منعطف و رفت و آمد کوتاه، ذاتی این قبیل مشاغل اند. اینها، به ویژه در پایین ترین سطوح بازار کار، مزایای شغلی غیرمعمولی هستند و با توجه به این که "تضمین اشتغال" آنها را به عنوان حقوق پایه می شناسد، پیش بینی این که شرکت‌های خصوصی چگونه (اجباراً) نسبت به آنها واکنش نشان می دهند، دشوار است. یک نکته روشن است: مزایای "تضمین اشتغال" وابسته به سودآوری مشاغل تحت پوشش آن نیست، و از قرار دادن شرکت‌های دارای انگیزه سود در رقابت با فعالیتهای زیان ده دولت باید پرهیز کرد

علاوه بر این دو مزیت نامشهود، مشاغل "تضمین اشتغال" را اساساً از مشاغل با دستمزد مشابه در بخش خصوصی متمایز می کنند. اولین مزیت این که شرایط مشاغل "تضمین اشتغال"، به عنوان مشاغل دولتی، به شیوه ای دموکراتیک و سیاسی تعیین می شود. "رؤسای منفور" و "فرهنگ قلدری" که ممکن است به عنوان "فشار بالا" در بخش خصوصی پذیرفته شوند، مشخصاً توسط نمایندگان اتحادیه ها در بخش دولتی، به چالش کشیده می شوند. کارگران تحت پوشش "تضمین اشتغال"، اگر از شرایط خود ناراضی باشند، می توانند از عموم مردم بخواهند آنان را در تغییر شرایط، به مراتب بیشتر نسبت به کارگران شرکت‌های خصوصی، حمایت کنند. دومین و بالقوه مهمترین مزیت این است که یک شغل تحت پوشش "تضمین اشتغال"، که الزامات مورد نظر مدافعان این برنامه را برآورده می کند (یعنی شغلی که مستلزم مهارت بالا نباشد اما از نظر اجتماعی سودمند باشد) از نظر شخصی بسیار رضایتبخش تر از یک شغل مشابه یا حتی تا حدودی بهتر در بخش خصوصی است. برخلاف کار ساده به نفع یک شرکت خصوصی (مثلاً در یک فروشگاه فست فود)، یک شغل تحت پوشش "تضمین اشتغال" فعالیتی عمومی است با هدف سودمندی برای محیط کارگری محلی. واتس حتی بر مطرح می کند که مشاغل تحت پوشش "تضمین اشتغال" باید شاخص پیشرفت واقعی را افزایش دهند. خلاصه این که "تضمین اشتغال" از زمره خدمات عمومی است و می تواند بر این اساس توسط کارگران ارزش گذاری شود. تحت چنین شرایطی، باید انتظار داشت که بسیاری از کارگران "تضمین اشتغال" را به اشتغال در بخش خصوصی ترجیح دهند، حتی اگر این دومی تا حدودی (البته نه به میزان قابل توجهی) دستمزد بیشتری پرداخت کند. یک کارگر "تضمین اشتغال" ممکن است احساس کند که نمی تواند کار خود را ناتمام رها کند، حتی اگر یک شغل "معمولی" با درآمد قدری بهتری در دسترس باشد. با توجه به این که بسیاری از مشاغل مورد نظر مدافعان "تضمین اشتغال"، کار با افراد آسیب پذیر است (به عنوان مثال در مراقبت از کودکان و مراقبت از سالمندان)، و با توجه به این که یک این مشاغل حاوی یک بخش آموزشی قابل توجه اند، درک این نکته دشوار نیست که کارگران احساس کنند موظف به ادامه کار در چارچوب این برنامه اند

در متن حاضر اصطلاح تضمین اشتغال در معنای عام آن منظور است، و "تضمین اشتغال" (در داخل * گیومه) در معنای خاص آن، که در بخش 1 این مقاله چنین تعریف شده است

- تضمین اشتغال "طرفیت بینهایت منعطفی را برای نیروی کار فراهم می آورد: یک امکان همگانی" برای همه، بدون هیچ آزمونی، یا با این و آن محدودیت زمانی یا محدودیت عددی



- دستمزد این برنامه برای کارگران، حداقل دستمزد است. از این قرار این برنامه کارگران تحتانی در بازار کار را استخدام می کند. بنابراین با دیگر کارگران در بازار کار به رقابت برنمی خیزد و فقط کارگرانی را استخدام می کند که در غیر این صورت بیکار خواهند ماند. دستمزدها به نحو "برونزا" تثبیت شده اند، به این معنا که توسط دولت تعیین می شوند و بنابراین افزایش دستمزد به منظور حفظ کارگران رخ نمی دهد.
- تضمین اشتغال "نوعی اشتغال کامل" است، به این معنا که کارگران آزادند، زمانی که " چشم انداز شغلی بهتری وجود دارد، "به میل خود" از آن بیرون روند و به بازار کار معمولی بپیوندند. بنابراین نیروی کار تحت پوشش این برنامه نسبت به شرایط اقتصاد به طور معکوس تغییر می کند. برنامه "تضمین اشتغال" به طور خودکار تنظیم می شود تا نیروی کار لازم مشاغل معین را فراهم کند؛ بنابراین موجب تقاضای اضافی برای نیروی کار نمی شود.
- کارگران برنامه، کارهای اجتماعی مفیدی را انجام می دهند، اما نه کارهای مرسوم را که مداوماً توسط "خط اصلی" در بخش عمومی انجام می شوند. طرفداران "تضمین اشتغال" طیف تقریباً نامحدودی از فعالیتها را پیشنهاد می کنند که می تواند به کارگران برنامه سپرده شود. از آن جمله اند: مراقبت از کودکان و سالمندان، طرحهای محیط زیستی، فعالیتهای جمعی و خدمات اجتماعی از طریق بخش غیرانتفاعی. شرط انجام یک پروژه در چارچوب "تضمین اشتغال" این است که پروژه به نحوی دارای یک منفعت اجتماعی باشد.

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی!

تشدید شکاف، در حکومت، انسجام در جنبش

کار صادق





جنبش انقلابی در چهلمین روز خود توانست مردم زیادی را به مناسبت چهلمین روز قتل ژینا امینی در بالغ بر پنجاه شهر به خیابان بکشاند و گام بزرگ دیگری به جلو بردارد. علاوه بر تظاهرات خیابانی در تعدادی از شهرها بازار و کسب و کارها با تعطیل کردن کسب و کار خود حمایت و همبستگی شان با جنبش انقلابی رانشان دادند.

در کردستان البته از همان آغاز خیزش یک رشته اعتصاب عمومی شروع شد که هنوز هم در تعدادی از شهرهای کردستان ادامه دارد. تعدادی از کسبه در نقاطی از تهران مانند، لاله زار، پاساژ علالدین، سه راه امین حضور و اطراف بازار که از کسب و کار و رفتار دولت ناراضی هستند در چهل ژینا با تعطیل کردن محل های کار و کسب خود بر تنوع ترکیب اجتماعی جنبش انقلابی افزودند.

رشد فزاینده جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی در چهلمین روز آن با چنان استقبالی از طرف گروه های اجتماعی مختلف مواجه شد که سران حکومت را سراسیمه و هراسناک از عاقبت کار شان کرده و به چه کنیم، چه کنیم، واداشته است.

کارآمدی حربه ی سرکوب نیز دیگر کم شده و ترس مردم هر روز که می گذرد کمتر و بر شمار آنانی که وارد میدان مبارزه با رژیم می شوند افزوده می شود. از سوی دیگر فشردگی اعتراضات و پراکندگی و وسعت جغرافیایی شان موجب خستگی و فرسودگی نیروهای سرکوبگر می شود و سرزنش بستگان و تظاهرکنندگان و فشار روانی و عذاب وجدان بر فرسودگی آنها می افزاید.

تبلیغات رژیم و سخنرانی های ابلهانه سران رژیم برای دادن قوت قلب و انگیزه به نیروهای سرکوب هر روز که می گذرد بیشتر اثر بخشی شان را از دست می دهد. حرف و حدیث های خامنه ای و رئیسی در رسانه هایی مختلف به استثنای رسانه های جریان حاکم، مثل گذشته جدی گرفته نمی شود و بازتاب نمی یابد. انتقاد از حرفهای ابلهانه رئیسی و انتشار گاف های پیاپی وی در تعدادی از رسانه به سخره گرفته می شود. گزارش اعتراضات مردم و همان هایی که خامنه ای و سرداران سپاه آنها را عامل دشمن می نامند، تا حدودی در تعدادی از رسانه ها بازتاب پیدا می کند و همدلی با معترضین بیشتر و بیشتر می شود و بی تفاوتی نسبت به حرف و حدیث های بسرکردگان سرکوب نیز بیشتر می شود. به غیر از کارگران و معلمان و پرستاران و کارمندان که سالهاست بیشترین اعتراضات را نسبت به دولت و حکومت کرده اند و همیشه از جنبشهای اعتراضی پشتیبانی عملی و باطنی کرده و می کنند، مدتی است که گروه های نسبتا وسیعی از صاحبان کسب و کار در بخش تولید و توزیع هم به دلیل نارضایتی از افزایش مالیات، حذف سوبسید مواد اولیه وارداتی، قیمت گزاری دستوری و نحوه اختصاص منابع مالی و امتناع حکومت از توافق بر سر برجام و رفع محاصره اقتصادی ناراضی هستند.

این بخش از بورژوازی و خرده بورواژی به دلیل محدودیتهایی که طرح های همچون صیانت بر سر راه کسب و کارشان بوجود آورده به شدت ناخرسند هستند و به آن معترضند. سخنان تند روز گذشته معاون اتاق بازرگانی که در روزنامه جهان صنعت منتشر شد بازتاب بخشی از این نارضایتی است که به نظر می رسد این گونه نارضایتی ها هم عمیقتر خواهد شد. خلاصه کلام، جنبش در حال انسجام است و شکاف در حکومت در حال افزایش.

با اعتصاب و اعتراض و پیوستن به جنبش انقلابی و آزادیخواهانه سراسری مردم از آن حمایت کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

جان زندانیان سیاسی در خطر است، همه با هم متحدانه برای آزادی شان مبارزه کنیم!



اعتصابها واقعی هستند، "دستوری" نیستند!

صادق



اعتصاب های کارگری با ردیگر در حال افزایش هستند. حدود ۳۰ اعتصاب که اکثرشان در واحدهای بزرگ و مهم صنعتی شروع شده در هفته های اخیر شکل گرفته اند

تعدادی از اعتصاب ها مانند اعتصاب هایی که در عسلویه و پالایشگاه آبادان و تهران شکل گرفته به گفته رهبران شان هم صنفی هستند و هم به منظور نشان دادن همبستگی و همراهی با جنبش انقلابی بوده است.

تعداد دیگری ظاهرا برای خواسته های صنفی هستند. چند تجمع از طرف کادر درمانی با مشارکت پزشکان، دانشجویان سال آخر پرستاری نیز در شهرهای شیراز، قزوین و تهران هم برگزار شده که در تهران مورد یورش سرکوبگران قرار گرفته است همه اینها نیز از نوع اعتصابات صنفی- سیاسی هستند

اصولا در شرایط فضای انقلابی هر اعتصابی ولو صنفی خصلت سیاسی هم پیدا می کند. هیچ کدام از این اعتصابات به دستور کسی شروع نشده است. همگی آنها دارای زمینه قبلی بوده و اعتصاب خواست خود کارگران بوده است

مترو رانان تهران در میانه این هفته با صدور بیانیه ای آشکارا پشتیبانی و حمایت خود از اعتراضات مردم را اعلام و سرکوب معترضان را محکوم نموده و خواستار توقف سرکوبها و به رسمیت شناختن حق اعتصاب و اعتراض شدند

به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی کمپینی با هدف برگزاری اعتصاب های حمایتی از جنبش انقلابی و مطالبات مردم از ۷ آبان راه اندازی و فعالیت اش را آغاز کرده است. همه این اعتصابها و اعتصاب های دیگری که به آنها خواهند پیوست زمینه و ریشه در مطالبات سرکوب شده کارگران و زحمتکشان دارند و به هیچ وجه صفت "دستوری" بودن به آنها نمی چسبد

آن کسانی که این صفات را برای اعتصابات ابداع می کنند و "صحت از اعتصاب آری، اما اعتصاب دستوری نه" در واقع یا شناختی درستی از مبارزات کارگران در سالهای گذشته ندارند و یا اصولا مثل سرکردگان خانه کارگر از اساس مخالف اعتصاب های سیاسی هستند. اعتصاب سیاسی در ایران و جمهوری اسلامی



زمینه دارد. علت اش هم این است که هزاران اعتصاب عموماً صنفی طی سالهای اخیر توسط کارگران انجام شده است که سرکوب و اکثراً بی نتیجه و کم نتیجه بوده است.

مگر همین چند هفته قبل از شروع جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی نبود که ۶۷ کارگر رسمی نفت را که قصد تجمع صنفی مقابل وزارت نفت در تهران را داشتند نیروی ویژه سرکوب دستگیر و بقیه را اجازه نداد، تجمع کنند. حالا این کارگران اعتصاب کرده‌اند. آیا اعتصاب آنها را می شود دستوری خواند؟

اصولاً عنوان اعتصاب دستوری یک چیز من درآوردی است. کارگر تا انگیزه قوی نداشته باشد محال است اعتصاب کند. وانگهی چه کسانی هستند که می توانند به کارگر دستور اعتصاب کردن بدهند که باعث نگرانی بعضی ها و هشدار دادنشان شده است

اعتصاب مهمترین وسیله مبارزاتی کارگر و مزد بگیر است. ماهیت اکثر اعتصاب های کارگری در همه جای دنیا بدوا صنفی است. ولی وقتی که اعتصاب های صنفی پاسخ نگیرند، لاجرم سیاسی می شوند تا بتوانند به ثمر بنشینند. در ایران اعتصابات صرف صنفی جواب نگرفته‌اند که هیچ، بلکه حکومت اکثر حقوق قانونی کارگران را که کارگران طی صد سال با مبارزات پر هزینه و گاه و بیگاه خونین به دست آورده‌اند، ملغی کرده است. پس گرفتن قوانین حمایتی بدون تغییر رژیم و متشکل شدن در تشکلهای مستقل ممکن نیست.

به همین جهت کارگران حق دارند و باید زمانی که فرصت دست می دهد با توسل به اعتصاب سیاسی و پیوستن به جنبش های مردمی، برای احیای حقوق خود و بهرمندی از رفاه و آسایش و همچنین استقرار آزادی و عدالت اعتصاب کنند و خودشان از قدرت تشخیص لازم برخوردار هستند و نیازی به رهنمود شخص ثالثی ندارند



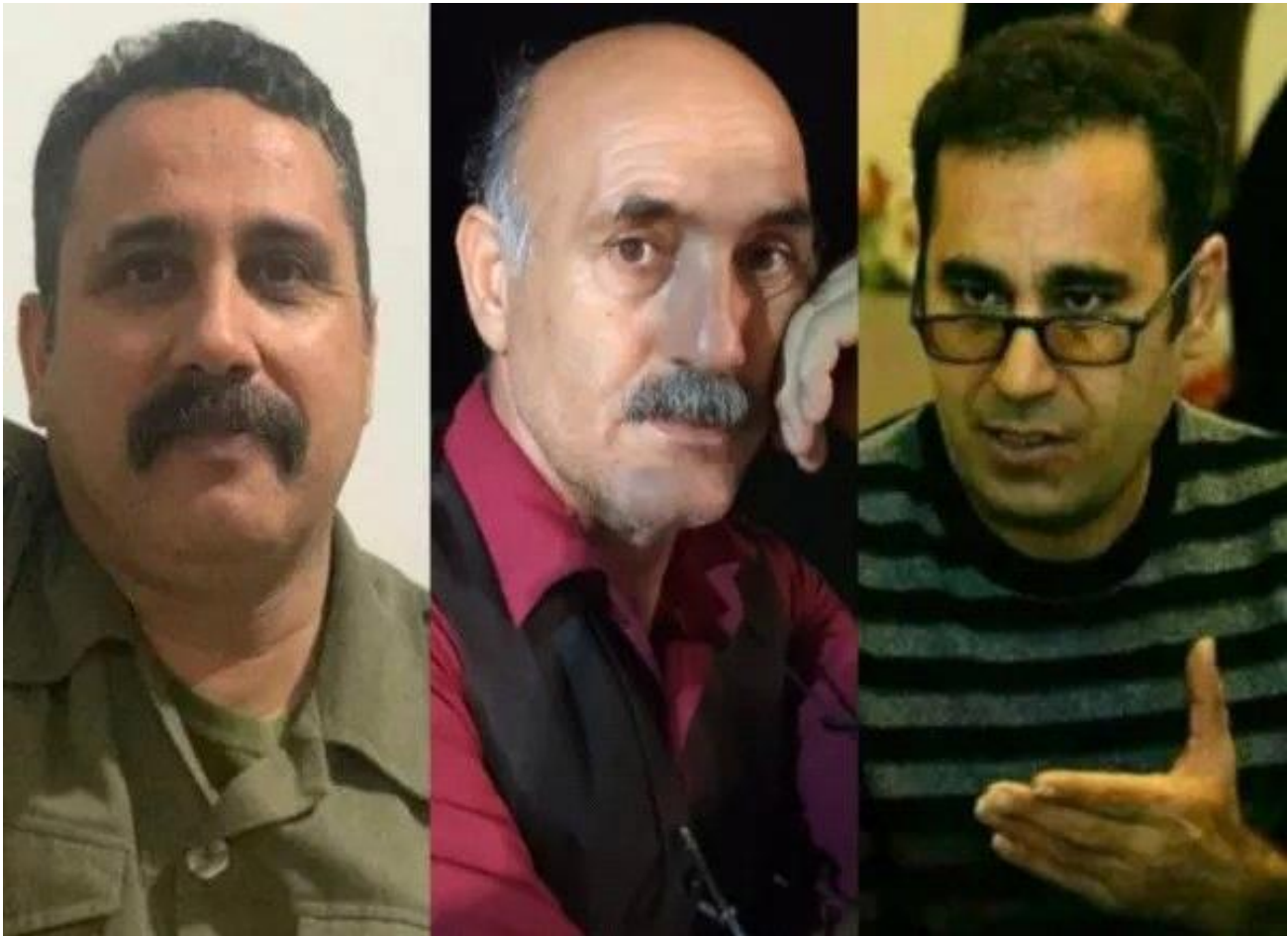
اعتصاب کارگران پیمانی در پایانه های نفتی خارک
شروع اعتصاب ۱۰ مهر
علت اعتصاب بدی شرایطی شغلی، بهداشتی و تبحیضات مزدی و شغلی بین رسمی ها و غیر رسمی ها



اعتصاب کارگران کارخانه کمباین سازی در تبریز
شروع اعتصاب ۱۰ مهر
علت اعتراض به تغییر قراردادهای کاری از رسمی به موقت و خواسته های صنفی
عکس از آرشیو استفاده شده



#کیوان مهندی را آزاد کنید



یکی دیگر از سؤالات ما از مسئولان قضائی پرونده این است که اگر تحقیقات تمام شده،
...»چه توجیه منطقی و قانونی‌ای دارد؟... بازداشت پس ادامه
تمامی موارد حاکی از حاکمیت نه تنها بی قانونی، که بی اخلاقی و زورمداری است. نتیجه را
هم این روزها در جو بشدت ملتهب جامعه و اعتراضات پیاپی شاهدیم. و البته نمودهای دیگر
این بی قانونی را در هجوم به دانش آموزان و دانشجویان در مدارس و دانشگاه‌ها، تحت فشار
قرار دادن مدیران باشرافی که از دانش آموزان حمایت می کنند، بازداشت‌های گسترده
دانش آموزان، معلمان، دانشجویان، روزنامه نگاران، وکلا، نویسندگان، فعالان حقوق زنان و
کارگران، پزشکان و... می بینیم. تا بار دیگر در ضدیتی آشکار با عقلانیت، نشان داده شود،
که قرار است در بر همان پاشنه بچرخد! تا بار دیگر تجربه کنیم که تمامیت خواهان، صم بکم
....عمی فهم لایعقلون
کانون صنفی معلمان ایران (تهران)
۱۴۰۱ آبان ۷



مدیر مسئول روزنامه شرق گفت: اتهام آموزش خبرنگار شرق در خارج از کشور برای انتشار کذب است، خانم حامدی در همه مراحل با من هماهنگ عکس و گزارش مرگ مهسا امینی بود

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگزاری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>